

حدّ توّان خود انسانی برجسته گردد.
ایمان از لحاظ دوام وجود در ذهن و زندگی
یک انسان به دو قسم تقسیم می‌گردد:

ایمان مستقر

ایمان مستودع

ایمان مستقر و پایدار مانند خانه شخصی
است که ملک انسان است و از بین نمی‌رود و در
سکونت در آن تزلزلی نیست.

ایمان مستودع و عاریه‌ای مانند خانه‌ای
اجاره‌ای است و هر لحظه بیم تزلزل آن می‌رود.
و ممکن است صاحبخانه از مستاجر بخواهد که
بیرون رود.

به تعبیر دیگر و از بعد دیگر ایمان دو گونه
است:

- ایمان متعصّبانه و تقلیدی

- ایمان آگاهانه

ایمان متعصّبانه و تقلیدی، زود هم از بین
می‌رود و در مقابل مسئله‌ی مادیت، مثل برفی
است که در تابستان، آب شده و به زمین فرو
می‌رود. صاحب این ایمان، برای حفظ آن
روزنامه نمی‌خواند، با مردم حرف نمی‌زند، وارد
اجتماع نمی‌شود... تأمّیلاً آسیبی به ایمانش
برسد مضطرب است و دغدغه‌ی آن را دارد که
بر ایمانش آفتاب و مهتاب نتابد.

ولی ایمان آگاهانه، چون از روی شناخت
عمیق و سپس پذیرش آن است، به این زودی از
بین نمی‌رود و صاحبش از عرضه کردن آن
هراس ندارد و برای حفظش ایثار و جانپازی
می‌کند و در واقع هر مرحله‌ای از زندگیش، وفای
به تعهدی است که همراه ایمان آن را پذیرفته
است. چنین ایمانی به صاحبش اراده قوی و
روخی مطمئن و آرام می‌بخشد و هرگز احساس
شکست و اضطراب نمی‌کند.

چنین ایمانی، انسان را وارد معرکه‌های
گونگون زندگی می‌کند و انسان با قلبی آکنده از
باور و اطمینان، پیش می‌رود.

«ایمان»، گرایش قلبی و وابستگی فکری و
اعتقادی و روانی به یک مطلب و یک مرکز
است، به شکلی که انسان، طبق آن عمل کند و به
لوازم ایمان و تعهّدات آن پای بند باشد.

پس در این مفهوم «باور» نهفته است،
یعنی قبول یک مطلب به وضوح و روشنی و به
دنیال یک حادثه رفتن، یعنی اینکه جاذبه‌ای دل
تو را تسخیر کند و دلت زنده به آن باشد.

اگر ایمان در دل باقی بماند، می‌پرسد: پس
باید از قلب به زبان و چشم و گوش و دست و پا و
اعضاء و جوارح و همه شئون زندگی، جریان پیدا
کند. و این مفهوم، همان سخنی است که رسول
عزیز اسلام فرموده است که:

«ایمان، اعتراف به زبان و شناخت قلبی و
عمل با اعضاء بدن است»

آن چه در قرآن و اعتقادات ما به عنوان
ایمان به خدا، رسالت، امامت، وحی، معاد،
بهشت و دوزخ، فرشتگان و کتب آسمانی،
هدفداری جهان و حساب و کتاب است، در
صورتی ایمان واقعی است که در زندگی ما نقش
داشته باشد و ایمان تعهد آور و مسؤولیت‌زا باشد.
در غیر این صورت، باید در ایمان خود شک کنیم.
ایمان یک حالت قلبی و اعتقادی است که
با عمل ثابت می‌شود و عینیت خارجی باید شاهد
باورداشت ذهنی باشد. در این زمینه سخن
زیبای حضرت علی (ع) چنین است:

«بر ایمان یک شخص با زیادی تقوا
و مالک شهوت بودن و غلبه بر هوس، استدلال
می‌توان کرد».

پس، ایمان گذری است از ذهنیت به
عینیت و دارای این سه بند است:

باور قلبی، اقرار زبانی، عملی خارجی

ایمان راستین، آن است که آثار آن در
زندگی درونی و بیرونی انسان مشهود شده و افق
دیدها و خواستها و فعالیت‌ها را وسیعتر و
ارزنده‌تر کند و مؤمن در سایه تأثیر ایمانش در